



احمد آرام و سهم او در واژه‌گزینی و تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی، غلامعلی حدّاد عادل، هرمس، تهران، ۱۴۰۰، ۲۳۵ صفحه.

مؤلف در مقدمه، غرض از تألیف کتاب را آگاهی جامعه از ابعاد شخصیت علمی و فرهنگی احمد آرام ذکر کرده است. او از میان ابعاد گوناگون شخصیت آرام، صرفاً به دو بُعد واژه‌گزینی و تاریخ‌نگاری علم توجه کرده است. زندگی احمد آرام بخشی از تاریخ واژه‌گزینی و تاریخ تکوین زبان فارسی علمی در ایران معاصر است. آشنایی کارشناسان و دانشجویان واژه‌گزینی با کوشش هفتاد و پنج‌ساله مردی که در ترجمه از سه زبان انگلیسی و فرانسه و عربی سر و کار دائم با واژه‌گزینی داشته درس‌آموز است. علاوه بر این، در میان انبوه کتاب‌ها و مقالات او، تعداد قابل توجهی به تاریخ علم اختصاص دارد، چه تاریخ علم اسلامی و ایرانی و چه علم غربی؛ آگاهی از کتاب‌هایی که آرام در تاریخ علم ترجمه کرده، اعم از آنچه صریحاً در موضوع تاریخ علم و یا متضمن تاریخ علم بوده است، در واقع نوعی منبع‌شناسی برای پژوهشگران و دانشجویان تاریخ علم محسوب می‌شود.

کتاب در دو بخش «سهم آرام در واژه‌گزینی در زبان فارسی» و «سهم آرام در تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی» تألیف شده است.

حدّاد عادل، در بخش اول کتاب، کارهای فردی و جمعی احمد آرام در واژه‌گزینی را به تفصیل آورده است تا معلوم کند او در چه شرایطی و در چه مدتی و از چند طریق به کار واژه‌گزینی اشتغال داشته است. آرام در ترجمه کتاب‌هایی که به میل خود انتخاب می‌کرده، هر جا به واژه‌ای برمی‌خورده که معادل فارسی نداشته، معادلی برای آن می‌ساخته و به کار می‌برده است؛ جز این کارهای انفرادی، او در چند فعالیت جمعی نیز شرکت داشته که مهم‌تر از همه آن‌ها مشارکت در تألیف فرهنگ اصطلاحات جغرافیایی و نیز مشارکت در تألیف فرهنگ اصطلاحات علمی است. فعالیت جمعی دیگر آرام در واژه‌گزینی، مشارکت مؤثر او در تألیف دایرةالمعارف فارسی است. علاوه بر اینها، آرام با انجمن لغات پزشکی هم همکاری می‌کرده است. یکی از ترجمه‌های احمد آرام کتابی است فرهنگ‌مانند در ۱۷۳ صفحه که تحت عنوان عمومی «پیشنهاد شما چیست؟» به همت فرهنگستان زبان

داده‌است. می‌توان گفت که بخش دوم این کتاب کلید دستیابی به آثار تاریخ علمی آرام، اعم از کتاب و مقاله، است.

در پایان هم کتاب‌شناسی کامل احمد آرام درج شده است.

خیتام نیشابوری: زندگی، افکار و رباعیات، حسین دانش و رضا توفیق، ترجمه و توضیح شیخ ابراهیم زنجانی، تصحیح و تدوین مسعود جعفری جزئی، نیلوفر، تهران ۱۴۰۰، ۵۳۱ صفحه.

این کتاب، متن تصحیح‌شده ترجمه شیخ ابراهیم زنجانی از شرح و تفسیر رباعیات خیتام به قلم حسین دانش و رضا توفیق است.

در اوایل قرن بیستم، در ترکیه مجموعه‌های متعددی از ترجمه‌های رباعیات خیتام فراهم آمد. یکی از مشهورترین این مجموعه‌ها کتابی است که حسین دانش، از ادیبان ایرانی مقیم استانبول، و رضا توفیق مشهور به فیلسوف، از اندیشمندان اهل ترکیه، در سال ۱۹۲۲م/۱۳۰۱ش فراهم آوردند. در آن هنگام که این دو، دست به نگارش این کتاب زدند، مجموعه‌ای مدون از اصل فارسی رباعیات خیتام در دست نبوده، هرچند شرق‌شناسان گام‌هایی در این راه برداشته بودند. بنابراین، آنها می‌خواستند در درجه نخست، با بهره‌گیری از نسخه‌های خطی رباعیات، مجموعه‌ای از بهترین و موثقی‌ترین رباعی‌های خیتام را تدوین کنند و در مرحله بعد، در پی آن بوده‌اند ترجمه‌ای فصیح و شرح و تفسیری از این رباعی‌ها به زبان ترکی عرضه کنند. همچنین،

ایران (فرهنگستان دوم) منتشر شده است. کتاب شامل نام حدود هزار و پانصد دانش و فن است که او تعریف آن‌ها را به فارسی برگردانده است. احمد آرام در سال ۱۳۶۹، در پیری و در آستانه نود سالگی، به عضویت پیوسته شورای فرهنگستان زبان و ادب فارسی (فرهنگستان سوم) درآمد. اظهار نظرهای او درباره واژه‌گزینی در جلسات شورای فرهنگستان آخرین اثری است که از وی به یادگار مانده است.

حداد عادل در ادامه این بخش کتاب، به بازنمایی دیدگاه‌ها و اصول و ضوابط مورد نظر احمد آرام در واژه‌گزینی و تبیین منظومه فکری و ذهنی او در این فن پرداخته است. مؤلف، با توجه به آشنایی و همکاری با مرحوم آرام، به تفصیل به ارزیابی و نقد دیدگاه‌های او در واژه‌گزینی در زبان فارسی می‌پردازد.

بخش دوم کتاب، با عنوان «سهم آرام در تاریخ‌نگاری علم به زبان فارسی»، به نقش مؤثر و سهم قابل‌اعتنای آرام در افزایش منابع مرتبط با تاریخ علم اختصاص دارد. در این بخش، از احمد آرام دوازده کتاب در تاریخ علم، سه کتاب در موضوع علم در تاریخ، و هشت کتاب متضمن تاریخ علم، به تفصیل یا اختصار، معرفی شده است. مؤلف، افزون بر اینها، تعدادی از مقالات آرام را که نه در مجلات بلکه در کتاب‌ها آمده و به تاریخ علم اختصاص داشته معرفی کرده است و فهرستی از چند ده مقاله تاریخ علمی او را که در مجلات و دانشنامه‌ها درج شده بوده نیز، بدون شرح، به دست

آن‌ها مباحثی را درباره زندگی و افکار ختّام و مقایسه نظام فکری او با دیگر فلاسفه و اندیشمندان در سرآغاز کتاب گنجانده‌اند. مطالب مربوط به زندگی ختّام و هویت تاریخی او و شعر ختّام و شعرسرایی او را حسین دانش نوشته است و مباحث مربوط به اندیشه فلسفی ختّام و مقایسه‌اش با دیگر اندیشمندان به قلم رضا توفیق است.

به دلیل ارتباطات فرهنگی وسیع ایران و ترکیه در دوران پیش از تغییر خط در ترکیه، این اثر بلافاصله پس از انتشار در ترکیه، مورد توجه صاحب‌نظران ایرانی قرار گرفت. اجمالاً می‌توان گفت که مطالب این کتاب بر سیر تحوّل ختّام‌شناسی در ایران، از ترانه‌های ختّام صادق هدایت تا آثار پدیدآمده در دهه‌های اخیر، تأثیری آشکار داشته‌است؛ افزون بر این، متن فارسی رباعی‌های آن نیز از مآخذ اصلی تدوین چاپ‌های مختلف رباعیات ختّام در ایران بوده‌است.

در سال ۱۹۲۳م/۱۳۰۲ش، در یکی از شماره‌های سال اول مجله ایران‌شهر چاپ برلین به انتشار این کتاب اشاره شده و ترجمه فارسی مقدمه آن انتشار یافته است. بخش‌های دیگری از فصل‌های آغازین اثر نیز در شماره‌های بعد این مجله منتشر شده‌است. نسخه‌ای از این کتاب را پسر شیخ ابراهیم زنجانی که در سفارت ایران در استانبول کار می‌کرد، برای پدرش تهیه کرد و به ایران فرستاد. زنجانی این کتاب را به فارسی ترجمه کرد. مترجم در لابه‌لای مباحث کتاب دیدگاه‌های خود را نیز جداگانه بیان کرده‌است. از آنجا که شیخ ابراهیم

زنجانی شخصیتی بحث‌برانگیز است که اغلب آثارش هنوز منتشر نشده‌اند یا بررسی و تحلیلی دقیق و جامع از آن‌ها صورت نگرفته‌است، همین نوشته‌های پراکنده در لابه‌لای متن و سخنانی که درباره انگیزه‌اش برای دست زدن به این کار بیان کرده بسیار مغتنم است.

مسعود جعفری جزئی متن ترجمه شیخ ابراهیم زنجانی را از شرح و تفسیر رباعیات ختّام به قلم حسین دانش و رضا توفیق بر مبنای نسخه خطی مجلس و نسخه دانشگاه به شماره ۶۰۶۰ به خط خود شیخ ابراهیم زنجانی بازنشر کرده است.

زبان‌شناسی: منظری ایرانی، محمد دبیرمقدم، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ۱۳۹۹، ۷۸۰ صفحه.

زبان‌شناسی: منظری ایرانی مجموعه مقاله‌های فارسی و انگلیسی محمد دبیرمقدم، استاد زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی است. در این مقاله‌ها، منظر نظری نگارنده به چیستی و ماهیت زبان با بهره‌گیری از داده‌های زبان فارسی و در مواردی داده‌های برخی از زبان‌های دیگر ایرانی منعکس شده است.

نویسنده مقاله‌های این مجموعه رویکرد خود را «نظریه تعاملی» نامیده است. در این چارچوب نظری، نویسنده با مفروض شمردن استقلال حوزه‌های زبانی (نحو، صرف، واج‌شناسی، معنی‌شناسی و ساخت اطلاع) از تعامل این حوزه‌ها

Verbs in Persian; Linguistic Typology: An Iranian Perspective.

همه مقاله‌های انگلیسی این مجموعه، در سطح بین‌المللی، به صورت فصلی از یک کتاب یا به صورت مقاله در مجله‌های تخصصی زبان‌شناسی نشر یافته‌اند.

خطوط کلی دیدگاه نظری انعکاس یافته در مجموعه حاضر بدین شرح است:

- وضعیت هم‌زمانی یک زبان را هرگز نمی‌توان بریده از تحولات در زمانی آن بازشناخت؛

- بررسی رده‌شناختی زبان‌های منزوی به لحاظ جغرافیایی می‌تواند در پرتو افکندن به تحولات تاریخی زبان‌های هم‌گروه و هم‌خانواده آن‌ها بسیار آگاهی بخش باشد؛

- ساختارهای زبانی لزوماً به مفاهیم معناشناختی، کاربردشناختی، ساخت اطلاعاتی و شناختی تقلیل‌پذیر نیستند؛

- زبان‌شناسی، یعنی علم مطالعه قوه نطق، فقط قرینه‌هایی در فلسفه علم دارد؛ اما زبان نیازمند فلسفه علمی است که متناسب با ماهیت علوم انسانی باشد؛

- تغییر و تحول در زبان، یا به اختصار تغییر زبانی، گاه ریشه در عوامل درونی زبان و گاه ریشه در عوامل بیرون‌زبانی دارد؛

- همواره لازم است از نظریه‌ها و مکتب‌های جهانی مطرح در زبان‌شناسی آگاه بود و صحت و

با یکدیگر بحث کرده و سهم تحولات در زمانی و تماس زبانی را در شکل‌دهی ساختار یک زبان و تبیین چهره کنونی آن حائز اهمیت دانسته است. در این جستار، توصیف‌ها و تحلیل‌های پیشین در هریک از مباحث معرفی و پیامد یافته‌های نویسنده در گستره تحولات نظری امروز سنجیده و ارزیابی شده است.

عناوین مقاله‌های فارسی کتاب به این ترتیب است: اصولی برای مطالعه علمی زبان: رویکرد تعاملی؛ مجهول در زبان فارسی؛ ساخت‌های سببی در زبان فارسی؛ پیرامون 'را' در زبان فارسی؛ زبان فارسی و نظریه‌های زبانی: در جست‌وجوی چارچوبی برای تدوین دستور جامع زبان فارسی؛ ساختارهای دارای فاعل غیرفاعلی در فارسی نو؛ فعل مرکب در زبان فارسی؛ نقش انضمام در واژه‌سازی زبان فارسی؛ گویش؛ سیبویه: زبان‌شناس و دستورنویس؛ توصیف ویژگی‌های زبانی دو کودک عقب‌مانده ذهنی و منزوی و تحلیل پیامدهای نظری آن؛ معرفی و نقد کتاب مکاتب زبان‌شناسی نوین در غرب؛ معرفی و نقد کتاب مطالعه‌ای در ساخت گفتمانی زبان فارسی.

عناوین مقاله‌های انگلیسی کتاب به این ترتیب است:

Passive in Persian; On the (in)dependence of Syntax and Pragmatics: Evidence from the Postposition -rā in Persian; Compound

سعادت (شهناز سلطان‌زاده)؛ آموزه‌های سعادت (مهناز مقدّسی)؛ سیمای استاد سعادت در مروارید اندیشه (پیمانہ صالحی)؛ غروب آفتاب سعادت (آمنه بیدگلی)؛ خاطرات باسعادت (جعفر شجاع کیهانی)؛ نهضت دانشنامه‌نویسی در ایران امروز: گفت‌وگو (سایر محمّدی)؛ گفت‌وگو با اسماعیل سعادت (محمّدهاشم اکبریان)؛ زبان فارسی، ممیّز ذی‌روح از غیرذی‌روح (اسماعیل سعادت).

سروده‌های رودکی، پژوهش علی رواقی، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۹۹، ۸۴۳ صفحه.

دفتر کوچک شعر رودکی افزون بر بیست و چند بار، به صورت‌های گوناگون، به چاپ رسیده و بسیاری از سروده‌های او به چندین زبان ترجمه شده است. رواقی در مقدّمه کتاب به بدخوانی‌ها و کاستی‌ها و نادرستی‌های واژگانی و معنایی در همه این چاپ‌ها اشاره می‌کند. به باور او اثرپذیری‌های گسترده سراینده‌گان و نویسندگان ماوراءالنّهری (فرارودی) و از آن میان رودکی، از واژگان و ساختار صرفی و نحوی زبان‌های ایرانی میانه شرقی، به‌ویژه زبان سُغدی، خوانش سروده‌ها و نوشته‌های فرارودی را برای ما دشوار کرده است.

بسیاری از فرهنگ‌نگاران شمار فراوانی از واژه‌های سُغدی در متن‌های ماوراءالنّهری را در فرهنگ‌نامه‌های خود ضبط نکرده‌اند، همچنان‌که نویسندگان کتاب‌های سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات

سقم آن‌ها را با داده‌های زبان‌ها و گویش‌های محلی و بومی آزمود.

زندگی‌نامه و خدمات علمی و فرهنگی استاد اسماعیل سعادت، به اهتمام انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران ۱۳۹۹، ۲۱۷ صفحه.

این اثر به مناسبت بزرگداشت مرحوم استاد اسماعیل سعادت، ادیب، زبان‌شناس، نویسنده، مترجم و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر شده است.

فهرست مطالب این ارج‌نامه، به عنوان دویست و یکمین دفتر از مجموعه زندگی‌نامه‌های انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، به این ترتیب است: پل نویا و نسبت میان قرآن و عرفان (حسن بلخاری قهی)؛ استاد اسماعیل سعادت از آموزگاری تا سرپرستی دانشنامه (آمنه بیدگلی)؛ فهرست آثار اسماعیل سعادت (افسانه شفاعتی)؛ کیمیای سعادت (غلامعلی حدّاد عادل)؛ خاموشی مترجم خاموش (احمد سمیعی گیلانی)؛ احساس گریه‌آور از دست دادگی (اصغر دادبه)؛ عصر بدگمانی (حسین معصومی همدانی)؛ مکتب ترجمه اسماعیل سعادت (احمد مسجدجامعی)؛ دیده دریا کنم و صبر به صحرا فکنم (محمّدرضا نصیری)؛ پشتکار ستودنی مترجم و ویراستاری بی‌جانشین (سیدعلی آل‌داود)؛ پژوهشگری استوار در قامت مترجمی پرتوان (فریده علوی)؛ کوشنده‌ای تمام‌وقت برای فرهنگ ایران (ایران گرگین)؛ اسماعیل

و برخی از کتاب‌های تاریخ زبان، کمتر به این نکته مهم زبان‌شناختی توجه کرده‌اند که گونه زبانی سرایندگان و نویسندگان فرارودی با زبان بسیاری از سرایندگان و نویسندگان خراسانی ناهمخوانی‌های واژگانی، ساختاری و آوایی گسترده‌ای دارد.

در چاپ سروده‌های رودکی، متن کتاب احوال و اشعار رودکی سمرقندی دست‌مایه پژوهش است. این اثر سعید نفیسی بن‌مایه همه چاپ‌های دیوان رودکی در ایران و تاجیکستان بوده است. رواقی برای اینکه چاپ تازه دیوان رودکی به آنچه رودکی سروده است نزدیک‌تر باشد، همخوانی‌های واژگانی متن‌های سده چهارم و پنجم در ماوراءالنهر با واژگان سروده‌های رودکی را بررسی کرده است. به بیان او، ناهمخوانی‌های فراوان گونه زبانی ماوراءالنهر (فرارود) که اثرپذیری گسترده‌ای از زبان سُغدی و شاید برخی دیگر از زبان‌های ایرانی میانه شرقی داشته، بر دشواری زبانی رودکی و دیگر سرایندگان و نویسندگان حوزه جغرافیایی و دوره تاریخی آن‌ها افزوده است. همچنین، در این چاپ از سروده‌های رودکی، برای شمار بسیاری از بیت‌های این شاعر که در چاپ‌های دیگر معنی‌گذاری نشده بودند یا معنای دقیقی نداشتند، معنایی به دست داده شده است.

نمونه‌ها و شاهدهای فراهم‌آمده برای بسیاری از واژه‌های سروده‌های رودکی از متن‌های سده‌های مختلف، وجه تمایز این پژوهش است.

در این اثر، سروده‌های رودکی مشتمل بر قصیده، غزل، قطعه، رباعی، ابیات پراکنده، ابیات بازمانده از مثنوی‌ها و سروده‌های منسوب به او، در ۱۱۸ صفحه، فراهم آمده است. یادداشت‌های مفصل رواقی بر زبان و لغات سروده‌های رودکی ۴۹۰ صفحه از حجم کتاب را دربرمی‌گیرد. او در بخش پایانی، به اختصار به برخی از پژوهش‌های زبانی در سروده‌های رودکی پرداخته است.

فارسی باستان: کتیبه‌ها، واژه‌نامه، محمد حسن دوست، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، تهران ۱۳۹۹، ۵۴۳ صفحه.

زبان فارسی باستان یکی از زبان‌های باستانی ایران است که از نیمه دوم هزاره اول پیش از میلاد تا نیمه قرن چهارم پیش از میلاد، در ناحیه جنوب غربی ایران رواج داشته و زبان رسمی دربار هخامنشیان به شمار می‌رفته است. از زبان فارسی باستان، که شباهت بسیاری به زبان اوستایی دارد، آثار مکتوب نسبتاً فراوانی بر جای مانده است. این آثار که اصطلاحاً کتیبه خوانده می‌شوند، به خط میخی فارسی باستان کتابت شده و اغلب در نواحی فارس، خوزستان و ماد باستان و نیز در بابل و مصر یافته شده‌اند.

کتیبه‌های فارسی باستان را باید کهن‌ترین آثار مکتوب به زبان‌های ایرانی به شمار آورد که شواهد زبانی و تاریخی آن‌ها بدون دست‌کاری و تحریف، پس از نزدیک به دوهزار و پانصد سال، عیناً به دست ما رسیده است.

درباره اصیل یا بدیع بودن خط میخی فارسی باستان نقل کرده، برخی ویژگی‌های این خط را برشمرده است؛

در بخش سوم، کتیبه‌های منتسب به شاهان هخامنشی را به‌اجمال معرفی و مضمون هریک از کتیبه‌ها و در مواردی ترجمه فارسی آن‌ها را نقل کرده است. مؤلف در این بخش، برخی از کتیبه‌های مکتوب بر ظروف، وزنه‌ها و مهره‌ها را معرفی کرده است؛

بخش چهارم شامل ترجمه فارسی کتیبه‌های فارسی باستان است که پس از حرف‌نوشت و واج‌نوشت هر کتیبه آمده است؛

در بخش پنجم، واژه‌نامه‌ای نسبتاً مفصل از لغات به کار رفته در کتیبه‌های فارسی باستان تنظیم شده است. مؤلف در این واژه‌نامه برای هریک از حروف، قیود، صورت‌های صرفی اسامی و صفات و صیغه‌های فعلی شاهدهی آورده و به‌اختصار به اشتقاق هرکدام پرداخته است؛

در بخش ششم و پایانی کتاب نیز چند فهرست تنظیم شده است تا دسترسی خوانندگان به هریک از کلمات به کار رفته در متن کتیبه‌ها به‌سادگی صورت پذیرد.

محمدرضا علی‌بخشی

در شناخت مثنوی معنوی، مهدی سالاری‌نسب، فرهنگ معاصر، تهران ۱۳۹۸، ۵۳۵ صفحه.

از یک منظر می‌توان گفت آنچه باید درباره یک متن کهن بدانیم، یا بیرونی است یا درونی. از مطالب بیرونی برخی مربوط است به تاریخچه، نام و شیوه

دانشمندان اروپایی در رمزگشایی از خط میخی به کار رفته در کتیبه‌های فارسی باستان و تحقیق درباره زبان این کتیبه‌ها پیش‌گام بوده‌اند، و از اوایل قرن نوزدهم میلادی تا کنون، صدها کتاب و مقاله علمی درباره زبان فارسی باستان و آثار به جا مانده از آن منتشر شده است. از آنجا که پژوهش‌های بنیادی درباره زبان فارسی باستان و آثار به جا مانده از آن به زبان‌های خارجی بوده است، در این اثر، نتایج تحقیقات در این باره گردآوری و به زبان فارسی تدوین شده است.

کتاب فارسی باستان: کتیبه‌ها، واژه‌نامه محصول اجرای بخشی از طرح جامع گروه زبان‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی با عنوان «زبان فارسی باستان و آثار بازمانده از آن» بوده است. در این اثر به تاریخچه خواندن خط میخی و کتیبه‌های فارسی باستان، معرفی کتیبه‌های شاهان هخامنشی، حرف‌نویسی، واج‌نویسی و ترجمه فارسی کتیبه‌های فارسی باستان و تدوین واژه‌نامه‌ای نسبتاً مفصل پرداخته و به مسائل زبانی فارسی باستان، نظیر واج‌شناسی، دستور تاریخی و نحو زبان، اشاره شده است.

مؤلف اثر، در بخش نخست این دفتر، به سابقه آشنایی اروپاییان با آثار باستانی ایران و خطوط میخی پرداخته و کوشش پیگیر دانشمندان اروپایی را در کشف رمز خط میخی و خواندن کتیبه‌های فارسی باستان یادآور شده است؛

در بخش دوم، مهم‌ترین آراء و نظرات محققان را

شکل‌گیری و دیگر حواشی یک اثر و نسخه‌های موجود از آن، و برخی دیگر نظریات متخصصان و شروع و تحقیقات صورت‌گرفته درباره اثر مورد نظر را در بر دارد.

مطالب درونی را به‌طور سنتی به دو بخش محتوا و صورت تقسیم می‌کنند. محتوا بینش و تفکری است که متن عرضه می‌کند و صورت عبارت است از خصوصیات ساختاری، زبانی و هنری آن. در کتاب در شناخت مثنوی معنوی تمامی این بخش‌ها بررسی شده است.

چیزی که در ابتدای کتاب توجه خواننده را جلب می‌کند گاه‌شماری از زندگی مولوی است که همچون مطالب کتاب، موجز، اما دقیق است. سپس پیشگفتار کوتاه نویسنده آمده و آن‌گاه مطالب کتاب که در شش فصل بدین ترتیب تدوین شده آغاز می‌شود:

- ۱) تاریخ نظم، عنوان، آغاز و پایان
 - ۲) ساختار، موضوعات، اعلام، مآخذ و چکیده
 - دفا تر با منتخب آیات
 - ۳) سرچشمه‌ها و بینش‌های بنیادی
 - ۴) زبان و سبک
 - ۵) شروع، واژه‌نامه‌ها، گزیده‌ها و سیر ترجمه‌ها
 - ۶) نسخه‌های خطی و چاپی
- هریک از این شش فصل به چند گفتار و هر گفتار به چند بند تقسیم شده است و چنان‌که نویسنده می‌گوید:

قصد بر این بوده که تمامی جنبه‌های لازم برای شناخت درست و کامل مثنوی و موضوعات و مسائل مهم و اساسی مثنوی پژوهی، از جزئی و کلی، در این دفتر بیاید؛ در عین حال، کوشش شده که طرح هر یک به‌اختصار باشد. تیت نویسنده بر این بوده که این رساله، در عین کوتاهی، به قدر امکان وافی باشد که هم مبتدیان را یاریگر افتد و هم منتهمیان را کارآمد. نوشته حاضر در بعضی از بخش‌ها، گردآوری و تلخیص و تحلیل و جوهی از مثنوی با نظر به تحقیقات موجود است، و در برخی دیگر، مباحث، دیدگاه‌ها و نکات تازه‌ای را پیش رو می‌نهد.
(ص ۱۲-۱۳)

از آنجا که کتاب مفصل است، در اینجا تنها مهم‌ترین موارد اشاره می‌شود:

- بحث درباره تاریخ دقیق آغاز سرودن مثنوی؛
- زمان تشکیل جلسات مثنوی و افراد حاضر در این جلسات، توجه به عنوان «اصحاب مثنوی» در مناقب العارفین، و تقسیم‌بندی دو گروه از مخاطبان مولوی بر اساس سخن خود مولوی: سخن‌کشان و سخن‌گشان؛
- چرا مولوی همواره از سخن‌گفتن اظهار امتناع و بی‌زاری می‌کند؛
- سنت‌شکنی مولوی در آغاز مثنوی با اجتناب از آوردن نام و حمد خدا؛ همچنین اینکه، برخلاف برداشت رایج، در این خصوص مولوی اولین

- چند و چون ارتباط مثنوی با فرهنگ ایران
باستان و شاهنامه فردوسی؛

- دو بند تفصیلی در خصوص تشابهات مثنوی با
دو اثر مهم که بر اندیشه مولانا تأثیر اساسی
گذاشته‌اند: معارف بهاء ولد و مقالات شمس
تبریزی؛

- گفتار دوم از فصل سوم کتاب حاوی دوازده بند
است در تدوین بینش‌های بنیادی مثنوی، که ذیل
این عناوین آمده است: ثنویت؛ عشق؛ زهد و تبطل؛
حقیقت؛ وحدت؛ تضاد؛ جریان دائمی تبدیلات؛
زندگی و مرگ؛ خدا؛ اخلاق؛ کلام و فلسفه؛ و عقل
در مثنوی. همچنین این موارد، به عنوان برخی
مباحث دیگر، بدان‌ها ضمیمه شده است: چیستی
ستون‌های جهان؛ آراء سیاسی؛ خواب و بیداری؛
عدم؛ ولی الهی؛ طلب؛ تساهل و مدارا؛ صبر؛ زن؛
طنز؛ موسیقی؛ و شور و غوغا در مثنوی؛

- بیزاری مولوی از آف‌اعیل‌عروضی و
قافیه‌اندیشی، و نیز اشاره به برخی اشکالات قافیه در
مثنوی؛

- شواهدی از صنایع بدیعی و آرایه‌های بیانی و
خواص زبانی و گنجینه واژگان مثنوی؛

- زبان تمثیلی مثنوی و بحثی در خصوص «قصه
در قصه آوردن» و «سخن در سخن آوردن» مولوی
در مثنوی یا به قول خودش، «جَرّ جَرّ کلام»؛

- مثنوی قصه‌پردازی است یا نقد حال خود شاعر
که در اینجا ترکیب «نقد حال» و مترادفات آن در

سنت‌شکن نیست؛

- توضیح درباره سابقه شواهد کاربرد استعاره
«نی» پیش از مثنوی؛

- اولین بار چه کسی به هجده بیت آغاز مثنوی
عنوان «نی‌نامه» داده است؛

- ذکر این نکته که مولوی در چند جای مثنوی،
به‌ویژه اواخر آن، بر بی‌پایان بودن مثنوی تأکید
می‌کند؛

- بحث در این باره که سرودن مثنوی در چه سالی
تمام شده است؛

- اشاره نویسنده به ارتباط آخرین واژه مثنوی که
کلمه «روزنه» است، با بی‌پایان ماندن مثنوی؛

- چرا مولوی مثنوی را به دفاتر تقسیم کرده و به
عنوان‌های موجود در مثنوی اکتفا نکرده است؟ آیا
این مطلب از ابتدا در ذهن او بوده یا از زمانی خاص
این تصمیم را گرفته است؟

- علت وقفه دوساله بین سرایش دفتر اول و دوم،
که ضمن نقل اهم نظرات محققان پیشین، تحلیلی
تازه ارائه می‌شود؛

- توجه دادن به نیامدن نام بهاء ولد، پدر مولوی،
در مثنوی؛

- چند و چون آمدن نام شمس تبریزی در مثنوی؛
و کمی یاد کردن از شمس در مثنوی در مقایسه با
دیوان کبیر؛

- برخی تشابهات قرآن و مثنوی؛

- بند سودمندی در خصوص جنبه فقیهانه بینش و
شخصیت مولوی و مطالب فقهی در مثنوی؛

مثنوی جست و جو شده است؛

— گفت‌وگوی اشخاص داستان در مثنوی، و معرفتی یکی از استثنائی‌ترین شیوه‌های روایت ادبی که ظاهراً بدین صورت و حد که در مثنوی به کار رفته در جای دیگر دیده نشده است؛
— معرفتی سه حوزه اصلی تأثیر مثنوی در فرهنگ ایرانی.

— استنادات مثنوی به مثنوی و مواردی که مولوی سخن خود را در مثنوی اصلاح و به عبارتی در آن استدراک می‌کند، که باز هم تعداد زیادی و شاید تمامی استنادات مثنوی به خود مثنوی و چندی از استدراکات مولوی بر سخنان خویش گردآوری شده است.

— زمان تقریبی ورود اشعار مولوی، خاصه مثنوی، به ایران و اولین تأثیرات آن در میان فارسی‌زبانان و اولین تأثیرات «نی‌نامه» در برخی از شعرای قرن هشتم؛
— بحث مفصلی در خصوص استفاده از ابیات مثنوی در موسیقی از زمان شاعر تا امروز؛ و معرفتی اولین کسی که در قرن حاضر ابیات مثنوی را در ساخت تصانیف به کار گرفت؛ و نیز اشاره به سنت مثنوی‌خوانی در ردیف موسیقی ایرانی و معرفتی آثار موجود در این باره؛

— گفتار «طعنه‌ها و انتقادات» چکیده بدیعی است از تاریخ نقد و انتقاد از مثنوی از زمان خود مولوی تا به امروز؛

— تاریخ نسخه‌برداری از مثنوی از زمان خود مولوی تا امروز و معرفتی اهم نسخه‌های خطی و

چاپ‌های مثنوی؛

— کشف شاهی برای بحث «خاک کردن نسخه اصلی مثنوی» که در زمان حیات مولوی وجود داشته است. برخی کسان، بدون ارائه شاهد، مدعی شده‌اند این نسخه پس از نسخه‌برداری‌ها، به گفته کسانی، خاک شده است. برخی محققان هم در این باره، به رد و انکار، سخن گفته‌اند، اما دلیل و شاهی ارائه نکرده‌اند. در اینجا شاهی از شرح انقروی ارائه شده؛ البته سالاری نسب در این مورد هم ادعای قطعیت نمی‌کند.

در پایان باید از سه خصیصه مهم کتاب یاد کرد: نخست ساختار منسجم است که سبب می‌شود هر مطلبی نه به‌طور پراکنده، بلکه در یک زمینه با کلیت به‌هم‌پیوسته به خواننده منتقل شود؛ دوم بهره‌گیری از تمام آثار و نظرها و تحقیقات مهم و اساسی صورت‌گرفته از بعد از زمان شاعر تا کنون است، به‌طوری که خواننده کتاب را از مراجعه به اغلب آثار بی‌نیاز می‌کند؛ و سوم گفتار سوم از فصل دوم کتاب است که در حدود نود صفحه شاخص‌ترین ابیات دفترهای شش‌گانه مثنوی نقل می‌شود، و به قول نویسنده، در این تفرج هر جا صحنه قابل‌توجهی می‌بیند برای خواننده هم تصویری از آن برمی‌دارد.

این کتاب‌گویی تازه و تحلیلی برای نگاه دوباره به متون کهن به دست می‌دهد که برای علاقه‌مندان و خوانندگان ادبیات ایران و مثنوی سودمند است.

آذر کلهر